

«تعلیق»، کلمه‌ای که حتی اگر معنی‌اش را به‌طور دقیق ندانی، بار معنایی منفی آن حسی خوبی منتقل نمی‌کند؛ این در حالی‌ست که این روزها بخش عمده‌ای از جامعه این کلمه را زندگی می‌کنند.

در هفته‌ها و ماه‌های اخیر، بخش‌هایی از اقتصاد ایران عملاً در وضعیت تعلیق به‌سر می‌برند؛ نه خاموش، نه فعال، نه ورشکسته، نه امیدوار. چیزی میان بیم و انتظار.

جنگ‌های منطقه‌ای، فشارهای سیاسی و ناترازی‌های مزمن داخلی، فضای ناامن سرمایه‌گذاری و خاموشی‌های زنجیره‌ای در بخش تولید، تصویر روشنی از این تعلیق را پیش چشم ما می‌گذارند. آن‌چه بیش از پیش نگران‌کننده است، نه فقط حجم بحران‌ها، که خلأ تصمیم‌سازی و غیبت بخش خصوصی در میدان سیاست‌گذاری است؛ و این همان نقطه‌ای‌ست که درد را مزمن و درمانش را به تعویق می‌اندازد.

در روزهایی که صنایع مادر در حال کاهش ظرفیت یا تعطیلی هستند، معادن درگیر بحران انرژی و بازار صادراتی‌اند، و سرمایه‌گذاران تلاش برای نگه داشتن وضعیت فعلی را بر هر اقدام دیگری ترجیح می‌دهند، بسته‌های حمایتی دولت هم‌گرچه ضروری، اما بیشتر در حد اطلاعیه باقی مانده‌اند و کمتر در قالب سیاست‌های واقعی و ملموس جاری شده‌اند. افزایش ناگهانی قیمت سوخت معادن بزرگ، بدون تدوین مشوق‌های جبرانی، یکی از همان تصمیماتی‌ست که نشان می‌دهد بدن نیمه‌جان اقتصاد ایران را نباید با شوک‌های سنگین درمان کرد.

فعالان حوزه معدن و صنعت، امروز با «بحران سریالی» مواجه‌اند؛ هر ماه، چالشی تازه. از قطعی برق و اعتصاب حمل‌ونقل گرفته تا حذف یارانه و بلاتکلیفی صادرات. این زنجیره بحران، چیزی از توان بنگاه‌های کوچک و متوسط باقی نگذاشته است. در چنین فضایی، جای خالی یک صدا به‌شدت احساس می‌شود؛ صدای بخش خصوصی در اتاق‌های تصمیم‌سازی حاکمیتی.

در حالی‌که دولت از تاب‌آوری صنایع حرف می‌زند، بخش خصوصی می‌گوید که «فرسوده شده‌ایم». در حالی‌که بسته‌های حمایتی روی کاغذ چیده می‌شوند، بنگاه‌ها از بی‌اطلاعی، کندی اجرا و تبعیض در دسترسی به منابع، گلایه دارند. حمایت اگر فقط تیتراژ باشد و نه تجربه، تبدیل به بی‌اعتمادی می‌شود. مساله امروز، فقط پول نیست. اعتماد است. و اعتماد، آن‌جاست که بخش خصوصی نه در گوشه میدان، بلکه در مرکز برنامه‌ریزی قرار بگیرد.

اگر اقتصاد ایران، به‌ویژه در حوزه صنعت و معدن، می‌خواهد از این روزهای سخت عبور کند، تنها راه، گفت‌وگوی هدفمند، و توزیع عادلانه و واقع‌گرایانه ریسک و منابع بین دولت و بخش خصوصی است.

تا زمانی‌که تصمیم‌ها از دل واقعیت و از زبان فعالان اقتصادی بیرون نیایند، صنعت و معدن همچنان در وضعیتی باقی خواهند ماند که شاید «تعلیق» واژه‌ای ساده برای آن باشد، اما واقعیتش، فرسایش بی‌صداست.

صنعت یزد آخرین چالش‌های صنایع، معادن و سرمایه‌گذاری را بررسی می‌کند؛

سیاست‌گذاری بدون مشارکت بخش خصوصی؛ تکرار چرخه فرسایشی



گردشگری در حاشیه بحران

زخم‌های پنهان یک جنگ کوتاه

صنعت یزد آخرین چالش‌های صنایع، معادن و سرمایه‌گذاری را بررسی می‌کند؛

چالش‌های گذشته با شدت بیشتری خود را نشان می‌دهند

سیاست‌گذاری بدون مشارکتِ بخش خصوصی؛

تکرار چرخه‌فرسایش

سپاوش پورعلی؛ باتوجه به تحولات اخیر خاورِیانه و شدت درگیری‌های نظامی، اقتصاد ایران همچون سایر حوزه‌ها تحت‌تاثیر این شرایط، آسیب‌های جدید دیده است، در این مورد باید اضافه کنیم که حوزه‌های «معادن»، «صنایع تولیدی» و «سرمایه‌گذاری» به‌عنوان سه محور اصلی اقتصاد، از جمله بخش‌هایی بودند که در معرض تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم ناشی از بحران امنیتی و نظامی قرار گرفتند. با این حال، با ادامه فشارهای اقتصادی، تاب‌آوری این بخش‌ها در مقایسه با دوره‌های پیش از جنگ که با چالش‌هایی مانند ناترازی انرژی، مشکلات ارزی-ریالی و... همراه بود متفاوت است. در روزهای جنگی، فعالیتِ معادن کشور با همه فرازونشیب‌ها ادامه داشته ولی با این حال، چالش‌های زیرساختی در حوزه صادرات، از جمله نوسانات نرخ ارز، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و عدم ظرفیت در مسیرهای تجاری، موجب کاهش نسبی در صادرات مواد معدنی شد.

توجه داشته باشید که در شرایط فعلی، صنایع کشور به‌ویژه صنایع مادر نظیر فولاد، پتروشیمی، سیمان و... با مشکلات جدی در زنجیره تأمین مواد اولیه و تأمین انرژی مواجه شده‌اند و برخی واحدها با کاهش ظرفیت تولید، افزایش هزینه‌های عملیاتی

ظرفیت‌های بخش خصوصی برای بهبود اقتصاد



«در این بازه زمانی خوشبختانه با اتکا به سرمایه‌های اجتماعی و همراهی مردم، تاکنون بحران گسترده‌ای در حوزه تولید به‌وجود نیامده است اما واقعیت این است که تاب‌آوری کشور، به‌ویژه در حوزه‌هایی نظیر تجارت داخلی و خارجی، سرمایه انسانی و اشتغال، به شدت کاهش یافته است. اقتصاد ما پیش‌تر نیز با چالش‌هایی مانند ناترازی پولی و مالی، کاهش ارزش پول ملی، کمبود منابع ارزی، محدودیت‌های بین‌المللی، نبود روابط پایدار اقتصادی با کشورهای خارجی و عدم دسترسی به نظام بانکی بین‌المللی مواجه بوده و همین عوامل، ظرفیت ما برای مقابله با شوک‌های جدید را کاهش داده است. اکنون تحمل فشارهای تازه، برای اقتصاد کشور واقعا دشوار خواهد بود.»

او در همین مورد و با اشاره به بسته‌های حمایتی که قرار است به صنایع اختصاص یابد، ادامه می‌دهد: «دولت بسته‌های حمایتی برای واحدهای تولیدی در نظر گرفته که قابل تقدیر است اما باید توجه داشت که اگر این وضعیت ادامه پیدا کند و تدابیر موثر برای ایجاد آرامش، رفع تنش‌های بین‌المللی و تقویت اطمینان عمومی اتخاذ نشود، اقتصاد کشور دچار خسارت‌های گسترده‌تری خواهد شد. دیدگاه‌های مقام رهبری، ریاست‌جمهور و هیات دولت همواره در راستای ایجاد ثبات، آرامش و حفظ منافع ملی بوده است اما نگرانی‌هایی که در دو ماه اخیر از سوی فعالان اقتصادی احساس شده، جدی است و اگر برای آن تدبیری اتخاذ نشود، می‌تواند منجر به تعطیلی واحدهای تولیدی، بیکاری کارگران و بروز مشکلات جدی در معیشت مردم شود. ما بر این باوریم که مسؤولان نظام باید در تدوین سیاست‌های حمایتی از اقتصاد و بخش تولید، از نظرات بخش خصوصی و فعالان اقتصادی استفاده بیشتری کنند. اتاق‌های بازرگانی و اتاق اصناف، نقش موثری در حفظ ثبات بازار داشته‌اند و جا دارد از تلاش‌های ارزشمند آنها به‌ویژه در حوزه توزیع کالا و تضمین امنیت معیشتی مردم صمیمانه قدردانی شود. در این مدت، شاهد بودیم که بنگاه‌های اقتصادی، با تعهد و مسئولیت‌پذیری، رسالت خود را در قبال کشور و ملت انجام داده‌اند و این ایثار، شایسته ی تکریم است.»

رییس اتاق بازرگانی با اشاره به مطالبات اقتصادی که بخش خصوصی از دولت دارد اضافه می‌کند: «ما انتظار داریم که مسؤولان نظام در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی، از ظرفیت‌های بخش خصوصی مانند اتاق‌های بازرگانی، اصناف و تشکل‌های تولیدی بیشتر بهره بگیرند، و در تدوین برنامه‌های حمایتی، با واقع‌بینی بیشتری عمل

■ **در پی بروز بحران‌های امنیتی و نظامی فضای کلی سرمایه‌گذاری در کشور با کاهش افتشام عمومی، افزایش ریسک اقتصادی و نوسانات شدید در بازار سرمایه مواجه شده است**

■ **تاب‌آوری کشور، به‌ویژه در حوزه‌هایی نظیر تجارت داخلی و خارجی، سرمایه انسانی و اشتغال، به شدت کاهش یافته است**

■ **نگرانی اصلی، بنگاه‌های کوچک و متوسط هستند که در شرایط کنونی تاب‌آوری پایین‌تری دارند. وضعیت آن‌ها به‌گونه‌ای ست که با کوچک‌ترین اختلال یا فشار اقتصادی، ممکن است دچار توقف فعالیت می‌شوند.**

شنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۴ ■ شماره ۲۰۱ ■ ۲۱

جدال معادن با بحران‌های سریایی



ارزیابی می‌کند، به‌خبرنگار «صنعت یزد» می‌گوید: «در مورد بسته‌های حمایتی تاکنون چیزی به‌صورت رسمی ابلاغ نشده و هیچ اطلاع‌رسانی مشخصی در این مورد نداریم. به نظر می‌رسد آنچه تاکنون مطرح شده، صرفاً در حد وعده و وعید باقی مانده و هیچ اقدام عملی مشاهده نشده است. در چنین شرایط بحرانی و شکننده اقتصادی در سال ۱۴۰۴، نه تنها حمایتی صورت نگرفته، بلکه اخیراً اقدامی انجام داده‌اند که نه تنها کمکی به شرایط موجود نکرده، بلکه فشار بیشتری نیز تحمیل کرده است. به تازگی، بحث هدفمندی یارانه‌های سوخت برای معادن بزرگ مطرح شده و یارانه این بخش حذف شده است. قیمت سوخت که پیش‌تر حدود ۳۴۰ یا ۳۵۰ تومان بود، اکنون برای معادن بزرگ به لیتری ۸۵۰۰ تومان افزایش یافته است. البته ما ذاتاً با حذف یارانه مخالف نیستیم اما در چنین شرایطی و در این وضعیت حساس، اجرای این تصمیم تنها موجب تشدید بحران شده است.»

او در همین مورد ادامه می‌دهد: «از ابتدای سال جاری تاکنون، معادن کشور با چندین بحران و شوک جدی مواجه شده‌اند. یکی از مهم‌ترین آن‌ها رکود اقتصادی سنگینی بود که از پایان سال ۱۴۰۳ آغاز شد و تا اوایل فروردین ادامه یافت. پس

از آن نیز قطعی برق در کارخانه‌های فولاد و صنایع وابسته به مواد معدنی، که باعث کاهش جدی تولید شد، در ادامه نیز اعتصاب رانندگان رخ داد که به‌مدت ۱۵ روز ضربه سنگینی به زنجیره تأمین وارد کرد. با وجود همه این شرایط، هیچ‌یک از وعده‌های مسؤولان به تحقق نرسیده و عملاً هیچ تغییری رالمس نکرده‌ایم. همه چیز در حد گفتار باقی مانده است. چالش‌های گذشته حالا با شدت بیشتری خود را نشان می‌دهند. اگر پیش از جنگ، سطح بحران در حوزه معدن و صنعت در حدود ۲۰ تا ۴۰ درصد بود، امروز این عدد به ۷۰ تا ۸۰ درصد رسیده و عملاً بازار صنایع و معادن دچار رکود عمیق شده است.»

این تحلیلگر حوزه معدن با ارائه آماری در خصوص فعالیت معادن در ایران اضافه می‌کند: «در حال حاضر، تنها حدود ۲۵ تا ۴۰ درصد از معادن کشور فعال هستند و مابقی با تعطیل شده‌اند یا به‌صورت نیمه‌فعال در حال گذران امور هستند. علاوه بر آن، مشکلاتی مانند خروج کارگران افغان، بحران انرژی و... به این شرایط دامن زده‌اند، ما در چهار ماه ابتدایی سال، تقریباً هر ۲۰ تا ۲۵ روز با یک بحران جدید مواجه بوده‌ایم. در چنین فضای، اکثر فعالان این حوزه به جای پیشرفت، تنها در حالت تدافعی قرار گرفته‌اند و تمام تلاش‌شان حفظ وضعیت موجود است. متأسفانه دولت نیز از یک سو اقدام به حذف یارانه سوخت می‌کند، اما از سوی دیگر، هیچ سیاست حمایتی از جمله کاهش عوارض یا مشوق‌های دیگر در نظر نمی‌گیرد.»

اصلاح ساختار یارانه‌ها و حرکت به سمت بهره‌وری

امیرحسین حیدرزاده همچنین با اشاره به اقداماتی که می‌تواند شرایط معادن را بهتر کند می‌گوید: «به نظر من، اصلاح ساختار یارانه‌ها و حرکت به سمت بهره‌وری، اقدامی درست است، اما این اصلاحات باید همراه با برنامه‌ریزی

■ **در شرایط فعلی بحث هدفمندی یارانه‌های سوخت برای معادن بزرگ مطرح و یارانه این بخش حذف شده است. و قیمت سوخت که پیش‌تر حدود ۳۴۰ یا ۳۵۰ تومان بود، اکنون برای معادن بزرگ به لیتری ۸۵۰۰ تومان افزایش یافته است**

■ **اگر پیش از جنگ، سطح بحران در حوزه معدن و صنعت در حدود ۲۰ تا ۴۰ درصد بود، امروز این عدد به ۷۰ تا ۸۰ درصد رسیده و عملاً بازار صنایع و معادن د چار رکود عمیق شده است**

■ **اکثر فعالان اقتصادی به جای پیشرفت، تنها در حالت تدافعی قرار گرفته‌اند و تمام تلاش‌شان حفظ وضعیت موجود موجود است**

■ **افزایش قیمت انرژی باید به صورت سالیانه و تدریجی، مثلاً در بازه ۴ تا ۵ درصد انجام می‌شد تا صنعت فرصت تطبیق پیدا کند**

دقیق، تدریجی و متناسب با شرایط اقتصادی کشور صورت گیرد. شرایط فعلی اقتصاد، صنعت و معدن ما مانند بیماری است که به سرطان مبتلاست. پزشک نمی‌تواند یک‌باره و با دوز بالا شیمی‌درمانی را آغاز کند. درمان باید در بازه زمانی ۱۰ تا ۱۲ ماهه، به تدریج انجام شود تا بدن توانایی سازگاری با دارو را داشته باشد. در غیر این صورت، بیمار وارد شوک شده و ممکن است جان خود را از دست بدهد. امروز نیز اقتصاد ما نیمه‌جان است هر اقدام شتاب‌زده‌ای می‌تواند تبعاتی جبران‌ناپذیر به دنبال داشته باشد. در خصوص ناترازی‌ها نیز باید گفت که صنایع و معادن همچنان با بحران‌هایی مانند قطعی برق و سایر ناپایداری‌های انرژی مواجه هستند. این معضل یک‌شبه به‌وجود نیامده و حاصل سوءمدیریت‌های اثباتشده در طول ۱۲ تا ۱۵ سال گذشته است. در این مدت، سرمایه‌گذاری لازم در صنعت برق و گاز صورت نگرفته و انرژی نیز با قیمت غیرواقعی و پایین عرضه شده است.»

حیدرزاده در همین مورد ادامه می‌دهد: «حال که تصمیم به اصلاح گرفته‌اند، می‌خواهند یک‌باره قیمت‌ها را افزایش دهند، در حالی‌که صنایع تاب و توان چنین فشاری را ندارند. افزایش قیمت انرژی باید به صورت سالیانه و تدریجی، مثلاً در بازه ۴ تا ۵ درصد انجام می‌شد تا صنعت فرصت تطبیق پیدا کند. اکنون که این مسیر ناگهانی در پیش گرفته شده، طبیعتاً با مقاومت و ناراضیاتی مواجه خواهد شد. اگر امروز هم به فکر راهکار باشیم، رفع ناترازی‌ها به اعتقاد حداقل ۵ تا ۷ سال زمان خواهد برد. این بحران، نه یک‌شبه ایجاد شده و نه به‌سادگی در کوتاه‌مدت قابل رفع است. ما با پیامدهای حداقل ۱۵ تا ۲۰ سال سوءمدیریت مواجه هستیم و اگر از همین امروز هر تصمیمات درست اتخاذ شود، باز هم در بهترین حالت، طی پنج تا هفت سال آینده به نقطه تراز خواهیم رسید که بعد از آن همچنان باید تلاش کنیم.»

بررسی کیفیت بسته‌های حمایتی

در شرایط ویژه کنونی ناشی از درگیری‌های نظامی، ایران و غربی‌ها، دولت اقدام به تدوین و اجرای مجموعه‌ای از بسته‌های حمایتی فوری و میان‌مدت با هدف حفظ پایداری در بخش‌های کلیدی اقتصاد کشور، به‌ویژه حوزه‌های صنایع، معادن و سرمایه‌گذاری نموده است. این بسته‌ها شامل محورهای زیر هستند: «تسهیل واردات مواد اولیه، قطعات و ماشین‌آلات صنعتی»، «تسریع در فرآیند ترخیص کالاها از گمرک»، «تخصیص تسهیلات بانکی ویژه به واحدهای صنعتی معدنی آسیب‌دیده»، تأمین اضطراری انرژی برای صنایع مادر و حیاتی»، «حمایت از حفظ اشتغال در واحدهای صنعتی»، «راه‌اندازی خطوط اعتباری ویژه از سوی بانک صنعت و معدن» و «ارائه معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی به مناطق درگیر در بحران».

در مجموع، بسته‌های حمایتی ارائه‌شده از سوی دولت را می‌توان مؤثر ولی ناکافی ارزیابی کرد. این بسته‌ها شاید بتوانند به‌صورت کوتاه‌مدت از فروپاشی برخی زیرساخت‌های کلیدی اقتصادی جلوگیری کنند اما در بلندمدت نیازمند بازنگری و تقویت در اجرا هستند.

در ادامه این گزارش به نکات مثبت‌ومنفی بسته‌های حمایتی خواهیم پرداخت. برخی از تحلیلگران اقتصادی در روزهای اخیر معتقدند که پیام‌های حمایتی دولت منجر به کاهش نسبی التهاب در بازار سرمایه و توقف موقت ریزش شاخص‌ها و همچنین اختصاص منابع بانکی ویژه به صنایع استراتژیک باعث حفظ ظرفیت حداقلی تولید در برخی واحدها شد.

با این حال در ادامه به محدودیت‌ها و چالش‌های این بسته‌ها پرداخته‌اند. کارشناسان در نقد این برنامه حمایتی گفته‌اند که بروکراسی و ناهماهنگی نهادی موجب تأخیر در بهره‌برداری از بسته‌ها در بخش عمده‌ای از کشور خواهد شد. همچنین عدم دسترسی صنایع کوچک و متوسط به منابع حمایتی، شکاف قابل‌توجهی در عدالت حمایتی ایجاد کرده است.

همچنان که تحلیلگران ما هم به این موارد اشاره کردند در ادامه‌ی این انتقادات باید اضافه کنیم که نبود برنامه‌های اجرایی شفاف و عدم اطلاع‌رسانی مؤثر در خصوص نحوه‌ی بهره‌مندی از تسهیلات، موجب سردرگمی فعالان اقتصادی شده است و همچنین ناتوانی در بهبود فوری زیرساخت‌های صادراتی و انرژی اثربخشی بسته‌ها را محدود ساخته است که از جمله این معایب هستند.

|| ۳ || شنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۴ ■ شماره ۲۰۱

گردشگری در حاشیه بحران

زخم‌های پنهان یک جنگ کوتاه

بوده‌اند. نیل هشدار می‌دهد؛ ما نباید بگذاریم این برنده‌های جهانی فراموش یا بی‌اعتبار شوند، این‌ها تنها سرمایه‌های فرهنگی نیستند، بلکه پشتوانه‌ای اقتصادی برای سال‌های آینده‌اند اگر گردشگری آسیب ببیند، این برنده‌ها به‌تدریج رنگ می‌بازند و اعتماد جهانی به ما کاهش می‌یابد.



هوزر به وضعیت مطلوب نرسیده و ظرفیت آن نسبت به گذشته کاهش چشم‌گیری داشته است، در چنین شرایطی وقوع جنگ یا هر تنش منطقه‌ای می‌تواند ضربه‌ای کاری به این صنعت وارد کند. طباطبایی با اشاره به وابستگی مستقیم بسیاری از استان‌های گردشگریذیر به‌ویژه یزد، به گردشگران خارجی از کاهش قابل‌توجه درآمد هتل‌ها و مراکز اقامتی خبر می‌دهد و می‌گوید: ورود گردشگران خارجی در این مدت یا فاز و نشیب‌های زیادی همراه بوده و تنش‌های بین‌المللی اخیر باعث کاهش چشم‌گیر آن شده است، در شهری مانند

■ تنش‌های بین‌المللی اخیر باعث کاهش چشم‌گیر ورود گردشگران خارجی و منجر به کاهش جدی درآمد هتل‌ها، اقامتگاه‌ها و مراکز خدماتی وابسته شده است

سعیده صدیقی: ۱۲ روز جنگ، برای بسیاری از صنایع شاید وقفه‌ای کوتاه تلقی شود؛ اما برای گردشگری، این ۱۲ روز معادل یک فصل کامل سقوط بود، صنعتی که به امنیت، آرامش و تصویر بین‌المللی وابسته است، با کوچک‌ترین لرزش‌های سیاسی یا نظامی دچار اختلال می‌شود، چه رسد به حمله‌ای آشکار به قلب کشور و تعطیلی کامل پروازها...

یزد، شهری با برند جهانی و موقعیت ممتاز گردشگری هم در این مدت از تبعات مستقیم و غیرمستقیم جنگ در امان نماند؛ از لغو گسترده تورهای ورودی و خروجی، تعلیق پروازها، سردرگمی گردشگران خارجی و از دست رفتن رزروها، تا نگرانی‌های عمیق فعالان گردشگری درباره آینده این صنعت، همه‌همه نشان دادند که گردشگری، نخستین قربانی هر بحران ملی است و آخرین بخشی‌ست که به مدار بازمی‌گردد. حالا حدود یک ماه از پایان جنگ گذشته، اما زخم‌های آن همچنان بر پیکر گردشگری باقی‌ست. این گزارش، روایتی از امید، هشدار، مسئولیت‌پذیری و تقاضای بازنگری در نگاه سیاست‌گذاران به صنعتی‌ست که اگرچه خاموش است، اما نفس می‌کشد و برای آینده می‌جنگد.

وقتی گردشگری در تصمیمات کلان جایی ندارد...

اصغراق نیل، رئیس کمیسیون گردشگری و صنایع وابسته اتاق بازرگانی یزد، با انتقاد از بی‌توجهی دولت به وضعیت صنعت گردشگری در شرایط بحرانی اخیر، نسبت به حذف این بخش از دایره حمایت‌های اقتصادی هشدار داد و گفت: هر اتفاقی که در کشور می‌افتد، اولین آسیب آن

به صنعت گردشگری وارد می‌شود، اما در تصمیمات اخیر دولت، در بخشنامه‌های هیأت وزیران و تسهیلات مصوب حتی یک کلمه درباره گردشگری نیامده است گویی این صنعت اصلاً دیده نمی‌شود. به گفته نیل، در حالی‌که گردشگری در بسیاری از کشورهای پیشرفته یکی از مهم‌ترین منابع درآمد ملی و ابزاری راهبردی برای توسعه اقتصادی و دیپلماسی فرهنگی محسوب می‌شود، در ایران این صنعت همچنان در حاشیه قرار دارد و تنها در مواقع بحران، آن هم در حد اظهار تأسف، نامی از آن برده می‌شود.

در توسعه یافته‌ها، گردشگری اولویت است؛ در ایران، آخرین گزینه

رئیس کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی یزد معتقد است که تفاوت ما با کشورهای موفق در گردشگری، تنها در منابع و جاذبه‌ها نیست، بلکه در نوع نگاه و جایگاه این صنعت در سیاست‌گذاری هاست. او با بیان تجربه کشورهای موفق در این حوزه گفت: در بسیاری از کشورها، قبل از اتخاذ هر تصمیم مهم اقتصادی، امنیتی یا سیاسی، یک سؤال کلیدی می‌پرسند؛ این تصمیم چه اثری بر صنعت گردشگری دارد؟ چون برایشان روشن است که گردشگری منبع پایدار ارزآوری، اشتغال‌زایی و معرفی فرهنگ است. اما در کشور ما این صنعت آخرین اولویت است و نه از منظر بودجه، نه برنامه‌ریزی و نه حتی حمایت روانی و رسانه‌ای، جایگاهی ندارد.

به گفته نیل، کشورهایی که در مسیر توسعه گردشگری گام برداشته‌اند از ظرفیت این حوزه نه فقط برای درآمدزایی بلکه برای افزایش تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی نیز استفاده می‌کنند. او تأکید می‌کند که اگر گردشگری به درستی مدیریت و حمایت شود، می‌تواند در روزهای سخت اقتصادی، همانند یک ستون حمایتی عمل کند و مانع از فروپاشی بخش‌هایی از اشتغال و خدمات شود.

جنگ تمام می‌شود، ولی گردشگر از دست می‌رود

نیل با هشدار نسبت به بی‌توجهی به دوران پساجنگ می‌گوید؛ ما باید برای دوران پساجنگ هم برنامه داشته باشیم اگر همین حالا فکری نکنیم، بازار گردشگری ما از دست می‌رود، گردشگر خارجی امروز در حال ارزیابی مقاصد امن برای سفر است اگر یزد از فهرست آن‌ها حذف شود، باگشتش به این لیست بسیار دشوار خواهد بود. او در ادامه به ظرفیت‌های منحصربه‌فرد یزد تأکید می‌کند؛ از جمله تبت جهانی بافت تاریخی و ثبت جهانی زیورآلات سنتی یزد، که حاصل سال‌ها تلاش، سرمایه‌گذاری و تعامل با نهادهای بین‌المللی

شنبه ۲۸ تیر ۱۴۰۴ ۳ شماره ۲۱ ۴

هزینه اقامت و خدمات مذاکره می‌کردند و از سوی دیگر، پاسخگوی دغدغه‌های مشتریان داخلی می‌ماندند. یکی از ضربه‌های اصلی به بدنه صنعت گردشگری، ناشی از تعطیلی گسترده پروازها در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ (۱۴ ژوئن ۲۰۲۵) بود؛ زمانی که ناوگان داخلی و خارجی از حرکت بازماند و فرودگاه‌ها در سکوت فرو رفتند.

رجایی‌فرد با اشاره به این اتفاق، می‌گوید: تعطیلی کامل پروازها به معنای توقف کامل جریان گردشگری بود. در این مدت، حتی فعالیت‌های داخلی نیز به کما رفتند. وزارت میراث فرهنگی اعلام فورس مازور کرد و توصیه شد که در صورت لغو سفر، وجه پرداختی به مسافران بدون کسر جریمه بازگردانده شود؛ تصمیمی که اگرچه از نگاه حقوقی درست و انسانی بود، اما از نظر مالی فشار زیادی بر دفاتر وارد کرد. او تأکید می‌کند که صنعت گردشگران منجر به کاهش جدی درآمد هتل‌ها، اقامتگاه‌ها و مراکز خدماتی وابسته شده است.

بدهی‌ها تابشته، درهای بسته

رئیس جامعه هتلداران استان یزد می‌گوید که بخش مهمی از اقامتگاه‌های بوم‌گردی در استان یزد همچنان در وضعیت تعطیل یا نیمه‌فعال قرار دارند، بسیاری از فعالان این حوزه، به دلیل نبود گردشگر و عدم باگشت سرمایه توان ادامه فعالیت ندارند. طباطبایی معتقد است؛ بخش عمده‌ای از مراکز گردشگری به‌ویژه بوم‌گردی‌ها، هنوز نتوانسته‌اند به مدار فعالیت اقتصادی برگردند این مجموعه با ها هزینه‌هایی مانند انرژی، مالیات، بیمه، حقوق پرسنل و نگهداری روبه‌رو هستند اما وقتی ورودی گردشگر به حداقل می‌رسد، بدهی‌ها انباشته می‌شوند و ادامه فعالیت از نظر اقتصادی توجیهی ندارد.

به گفته طباطبایی، هتل داران و بهره‌برداران مراکز اقامتی استان با مشکلات چندوجهی دست‌به‌گریبان‌اند، در حالی‌که جریان درآمدی آن‌ها کاهش یافته، هزینه‌های جاری افزایش پیدا کرده و همین مسئله باعث شده که خطر تعطیلی و تعدیل نیرو به‌طور جدی این صنعت را تهدیدیکند.

حمایت‌های هدفمند، تنها راه بیرون‌رفت

رئیس جامعه هتلداران استان در ادامه خواستار اقدام فوری و برنامه‌ریزی هدفمند از سوی نهادهای دولتی برای نجات صنعت گردشگری شد و گفت: در چنین شرایطی، حمایت‌های مؤثر و هدفمند از سوی فعالان گردشگری یک ضرورت حیاتی است؛ این حمایت‌ها می‌تواند شامل کاهش هزینه‌های انرژی، تعویق در پرداخت حق بیمه، معافیت‌های مالیاتی و ارائه تسهیلات کم‌بهره باشد، در غیر این صورت، این بخش با موج گسترده‌ای از تعطیلی‌ها و بیکاری روبه‌رو خواهد شد. او تأکید می‌کند که صنعت گردشگری در کنار نقش فرهنگی و اقتصادی، به شکل مستقیم و غیرمستقیم باعث اشتغال‌زایی در استان یزد شده و اگر این صنعت زمین‌گیر شود، تبعات آن دامن بسیاری از مشاغل دیگر را نیز خواهد گرفت. گردشگری فقط محدود به هتل و تور نیست، صنایع دستی، حمل‌ونقل، غذا، راهنماهای گردشگری، فروشگاه‌ها، حمل بار، راهبران اقامتگاه‌ها، همه در یک زنجیره فعال هستند، اگر یکی از این حلقه‌ها از بین برود، کل زنجیره دچار اختلال می‌شود. در حال حاضر این خطر در کمین صنعت گردشگری استان است.

طباطبایی می‌گوید که باگشت اعتماد و رونق به این صنعت نیازمند ثبات در فضای سیاسی و اقتصادی است و افزودن بحران‌هایی مانند جنگ، نه‌تنها مانع بهبود اوضاع می‌شود بلکه دستاوردهای اندک پساکرونا را هم از بین می‌برد.

صنعت گردشگری پس از طوفان

مهدی رجایی‌فرد، نایب‌رئیس انجمن دفاتر خدمات مسافرتی استان یزد با اشاره به شرایط خاص آن روزها، تأکید می‌کند که دفاتر خدمات مسافرتی در سراسر کشور و از جمله استان یزد، ضمن درک شرایط ملی، همراهی کامل با دغدغه‌های انسانی و اجتماعی داشته‌اند و با مسئولیت‌پذیری حرفه‌ای، همه توان خود را برای حفاظت از حقوق مسافران و کاهش خسارات ناشی از بحران به‌کار گرفته‌اند. او می‌گوید که با آغاز جنگ، تقریباً تمام تورهای ورودی و خروجی، چه داخلی و چه خارجی، در همان روزهای ابتدایی به حالت تعلیق درآمدند. این توقف گسترده نه‌تنها مانعی بزرگ بر سر راه اجرای برنامه‌های از پیش طراحی شده بود، بلکه بسیاری از دفاتر را با جالش‌های فوری در تأمین نهادهای مالی، باگشت وجوه، و مدیریت ناراضیتی مشتریان روبه‌رو کرد.

سلامت مردم برای ما در اولویت است، از همین رو در روزهای جنگ، تمام تورها را متوقف کردیم ولی این توقف صرفاً یک تصمیم انسانی نبود، بلکه موجی از مسئولیت مالی و عملیاتی را هم به دنبال تابستانی بی‌توانیم فروش قابل‌قبولی داشته باشیم و به باگشت سرمایه

برسیم، اما درست در آستانه فصل تابستان، جنگ و بسته شدن مسیرهای هوایی تمام برنامه‌های ما را برهم زد، هم پروازها مختل شد، هم تورها لغو شدند و هم هتل‌هایی که برای مقصد گارانتی کرده بودیم بدون استفاده ماندند، سرمایه‌گذاری سنگینی بود که عملاً از بین رفت. این فعال گردشگری تأکید می‌کند که زیان محدود به بلیت هواپیما نیست و زنجیره گسترده‌ای از خدمات مانند اقامت، ترانسفر، لیدر تور و تیلیفات را هم شامل می‌شود. همه این بخش‌ها به واسطه وقفه‌های ناگهانی در جریان سفر، دچار اختلال شده‌اند و خساراتی قابل‌توجه به مجموعه‌های فعال وارد کرده‌اند.

هدف مسئولیت اجتماعی است، نه سودآوری

در شرایطی که بسیاری از شرکت‌های هواپیمایی به دلیل کاهش تقاضا، برخی مسیرها را تعطیل کرده‌اند مهاجری از ادامه فعالیت‌های مجموعه‌اش در چارچوب مسئولیت اجتماعی سخن می‌گوید، او معتقد است که حفظ برخی مسیرهای یوزری نه از روی سودآوری، بلکه صرفاً به دلیل حفظ زیرساخت‌های حمل‌ونقل و گردشگری استان انجام می‌شود. مهاجری می‌گوید؛ الان که مسیرها سودی ندارند، ما فقط از روی مسئولیت اجتماعی در حال چارتر پرواز هستیم، به عنوان مثال شرکت یزدایر که در حال حاضر در یزد فعالیت دارد اگر از ظرفیتش استفاده نشود، مسیرهایش را به استان‌های دیگر منتقل می‌کند، ما سعی کردیم با چارتر کردن پروازها، این ظرفیت را در یزد نگه داریم؛ یزدایر شرکئی منظم و خوش‌قول است و تأخیر پایینی دارد، اما اگر بستر فعالیت برایش فراهم نشود، طبیعی است که مسیرهای دیگر را انتخاب کند.

حمایت‌های ناتمام

از نگاه مهاجری، دولت می‌تواند و باید در چنین شرایطی از فعالان این حوزه حمایت کند، او تأکید می‌کند که هرچند در سطح استان، حمایت‌هایی از جمله مساعدت برای ارائه تسهیلات بانکی صورت گرفته، اما این حمایت‌ها در مرحله اجرا با مانع‌تراشی‌های بانکی بی‌نتیجه مانده است. بانک‌ها باید در این شرایط خاص نقش فعال‌تری ایفا کنند، اما متأسفانه با تبصره‌ها و بندهای دست‌وپاگیر، دریافت تسهیلات برای ما تقریباً غیرممکن شده است. در حالی‌که اگر این حمایت‌ها به درستی انجام شود، شرکت‌هایی مثل ما با انگیزه بیشتری به فعالیت ادامه می‌دهند و می‌توانند گردشگری را در دوران بحران سرپا نگه دارند.

مهاجری معتقد است اگر زیرساخت‌هایی مثل پرواز، اقامت و خدمات گردشگری از دست روند، بازگرداندن آن‌ها پس از پایان بحران‌ها بسیار دشوار و پرهزینه خواهد بود. از همین رو، او از مسئولان می‌خواهد صنعت گردشگری را نه به عنوان یک بخش تفریحی، بلکه به‌مثابه یک صنعت راهبردی ببینند و در دوران بحران، حمایت عملی و مؤثر از آن داشته باشند. مهاجری در پایان صحبت‌هایش با تأکید بر لزوم هم‌افزایی میان رسانه‌ها و فعالان گردشگری، خواستار توجه بیشتر خانواده بزرگ رسانه‌ از صدا و سیما و مطبوعات گرفته تا رسانه‌های مجازی، به نقش آرام‌بخش و امیدآفرین گردشگری شد، او معتقد است در شرایطی که جامعه با اضطراب و فشارهای روانی ناشی از بحران‌های مختلف روبه‌روست، بازآزید از مزوره، حضور در کارگاه‌های صنایع دستی و تجربه‌کردن فضاهای فرهنگی می‌تواند به آرام‌سازی فضای عمومی کمک کند. به همین دلیل، باززمایش خبیج این ظرفیت‌ها در رسانه‌ها، نه‌تنها به ترویج سفر مسئولانه می‌انجامد، بلکه می‌تواند بخشی از مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها در قبال حال عمومی مردم را نیز محقق سازد.

گردشگری یزد؛ زخمی از بحران، نیازمند درمانی جدی

آن چه در جریان این گفت‌وگوها و روایت‌ها به روشنی نمایان شد، تصویری دقیق و البته نگران‌کننده از حال‌وروز گردشگری یزد است، صنعتی که هنوز از زخم‌های عمیق کرونا رهایی نیافته، این بار با تبعات سنگین یک جنگ ناخواسته و تصمیمات ناعادلانه مواجه شده است؛ تصمیماتی که بار دیگر نشان دادند گردشگری در اولویت‌های دولت نیست، حتی وقتی بیشترین ضربه را می‌خورد.

فعالان این صنعت، از مدیران دفاتر خدمات مسافرتی گرفته تا راهنمایان گردشگری، همچنان در خط مقدم ایستاده‌اند، و وجود بدهی‌های انباشته، کاهش شدید تقاضا، تعطیلی اقامتگاه‌ها و نگرانی گردشگران خارجی، هنوز هم امیدوارند بتوانند اعتبار از دست‌رفته ایران را بازسازی کنند، اما این مسیر بدون حمایت‌های فوری و واقعی ممکن نیست. آنچه امروز گردشگری یزد و ایران به آن نیاز دارد، نه فقط بخشنامه‌ای حمایتی یا وعده‌ای مبهم، بلکه اقدامی عاجل، تصمیمی شجاعانه و تگاهی استراتژیک به صنعتی است که اگر دیده نشود، خاموش خواهد شد.

حالا زمان آن رسیده است که مسئولان، نهادهای دولتی و بخش خصوصی، با درک جایگاه گردشگری در اقتصاد ملی و وجهه جهانی ایران، صدای این بخش زخم‌خورده را بشنوند و برای آن کاری کنند، چرا که گردشگری، فقط سفر و تفریح نیست، هویت، اقتصاد، فرهنگ و دیپلماسی یک ملت در آن تنیده شده است.

■ ظرفیت‌های منحصربه‌فرد یزد، از جمله ثبت جهانی و ثبت جهانی زیورآلات سنتی یزد که حاصل سال‌ها تلاش، سرمایه‌گذاری و تعامل با نهادهای بین‌المللی بوده‌اند، اگر گردشگری آسیب ببیند، این برنده‌ها به تدریج رنگ می‌بازند و اعتماد جهانی به ما کاهش می‌یابد

■ یکی از ضربه‌های اصلی به بدنه صنعت گردشگری، ناشی از تعطیلی گسترده پروازها در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ (۱۴ ژوئن ۲۰۲۵) بود؛ زمانی که ناوگان داخلی و خارجی

■ راهنمایان، سفیران بی‌پرچم ایران

روایت یک راهنمای گردشگری از روزهای سخت جنگ

در میان تمام بحران‌هایی که جنگ بر گردشگری تحمیل کرد، شاید کم‌تر به دیده‌ها و شنیده‌های مستقیم راهنمایان گردشگری توجه شده باشد؛ کسانی که به عنوان پل ارتباطی بین ایران و جهان، نه‌تنها مسئولیت اطلاع‌رسانی به گردشگران را بر عهده دارند، بلکه قلب تپنده‌ی تجربه‌ی سفر در ایران محسوب می‌شوند.

رضا موسوی از راهنمایان گردشگری با سابق در یزد از تجربه‌های متفاوتش در دوران جنگ می‌گوید: «در همان روزهای ابتدای جنگ، گردشگران زیادی با ما تماس گرفتند بیشترشان برای خروج از ایران کمک می‌خواستند، نگران بودند و دنبال راهی امن برای ترک کشور می‌گشتند. آن‌ها احساس خطر کرده بودند و طبیعی بود که به دنبال امنیت باشند، از سوی دیگر، گروهی هم بودند که هنوز در ایران بودند و اخبار را دنبال می‌کردند، نکته مهم این بود که اغلبشان به رسانه‌های داخلی اعتماد نمی‌کردند حتی گردشگرانی که در یزد، تهران یا شیراز حضور داشتند، اخبار جنگ را از طریق رسانه‌های خارجی پیگیری می‌کردند.»

این روایت موسوی، تنها بخشی از چالش‌های انسانی این روزها را بازتاب می‌دهد؛ چالشی که تنها به کاهش رزروها و لغو سفرها محدود نمی‌شود، بلکه از منظر روانی نیز آسیبی جدی به اعتماد بین‌المللی وارد می‌کند.

«گردشگرانی که قصد سفر به ایران را داشتند، ناگهان منصرف شدند، برای یک گردشگر خارجی، جنگ در یک کشور، مثل چراغ قرمز بزرگی است که تا ماه‌ها نمی‌توان از آن عبور کرد تخمین من این است که بین سه تا شش ماه زمان نیاز داریم تا دوباره آن‌ها را برای سفر به ایران قانع کنیم، این یعنی یک فصل کامل یا حتی نیمی از سال، برای بازیابی اعتماد و برنامه‌ریزی مجدد از دست می‌رود.»

اما در دل این تلخی، نقطه‌های روشنی نیز دیده می‌شود. موسوی با احساساتی آشکار، از پیام‌هایی می‌گوید که در آن روزها از گردشگران خارجی دریافت کرده است: «جالب این جابو که بسیاری از گردشگرانی که با آن‌ها در ارتباط بودیم، پیام‌های محبت‌آمیزی برایمان فرستادند. پیام‌هایی پر از دلگرمی، امید و نگرانی، می‌نوشتند که مراقب خودتان باشید، دعا می‌کنیم زودتر همه چیز تمام شود بعضی حتی گریه کرده بودند. تصور کنید گردشگری که چند سال پیش به ایران آمده، هنوز آن قدر با ما در پیوند انسانی است که از ته دل نگران ماست.»

این پیام‌ها به گفته موسوی، تنها نشانه‌ی عمق پیوند فرهنگی ایران با گردشگران خارجی نیست، بلکه شهادتی است بر جایگاهی که فعالان گردشگری و جامعه محلی در ذهن و دل مهمانان خارجی یافته‌اند.

این پیام‌ها به ما ثابت کرد که شغل ما فقط راهنمایی گردشگران یا ترجمه و برنامه‌ریزی سفر نیست. ما یک تصویر انسانی از ایران به جهان داده‌ایم. ما نشان داده‌ایم که مردم ایران، مهربان، خونگرم، بافرهنگ و صلح‌طلب‌اند و این تصویر حالا در قلب کسانی حک شده که حتی حاضرند برای امنیت ما اشک بپریزند.

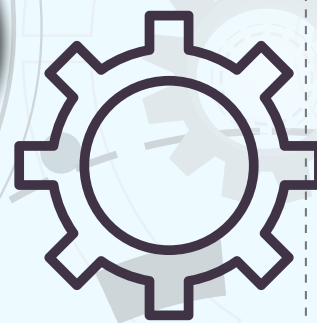
او همچنین بر مسئولیت مضاعفی که این ارتباط انسانی برای فعالان گردشگری ایجاد می‌کند، تأکید دارد؛ وقتی می‌دانیم که تا این حد برگردشگران تأثیر گذاشته‌ایم، وظیفه‌مان سنگین‌تر می‌شود. باید با قدرت برگردیم، نباید بگذاریم تصویری که ساختیم خراب شود، باید دوباره فضای امن و دلنشینی ایجاد کنیم تا گردشگران با خیال آسوده بازگردند، این نه‌تنها یک وظیفه اقتصادی، بلکه یک مسئولیت انسانی و فرهنگی است.



حمیدرضا شرافت، رئیس هیأت مدیره خانه معدن استان یزد، در مراسم اعضای تفاهم نامه همکاری بین خانه معدن یزد و جهاد دانشگاهی یزد که با هدف ارتقای بهره‌وری و نوآوری در بخش معادن استان، شامل همکاری در زمینه‌هایی مانند هوشمندسازی، آزمایشات آب، خاک و هوا، انرژی خورشیدی و بازسازی معادن، برای همکاری در حوزه‌های علمی، پژوهشی و آموزشی امضا شد، گفت: با وجود ظرفیت‌های بالا، به دلیل قوانین ناکارآمد و روش‌های سنتی بهره‌برداری، معادن استان نتوانسته‌اند نقش اقتصادی خود را ایفا کنند. او از فرسودگی شدید ماشین‌آلات معدنی انتقاد کرد و گفت: حدود ۹۰ درصد ماشین‌آلات ما وارداتی و اغلب فرسوده‌اند. نوسازی این ناوگان می‌تواند تا ۷۰ درصد در مصرف سوخت صرفه‌جویی ایجاد کند. شرافت همچنین خاطرنشان کرد که سال گذشته معادل ۴ هزار میلیارد تومان حقوق دولتی از معادن یزد دریافت شده که طبق قانون، ۲۰ درصد آن می‌تواند صرف محیط زیست و زیرساخت‌های توسعه‌ای شود، ولی هنوز این ظرفیت مغفول مانده است.



احسان افشاری پور، عضو هیئت مدیره خانه معدن ایران و یزد در نشست هم‌اندیشی فعالان معدنی کشور، از رکود شدید طرح‌های توسعه‌ای معدنی در یزد انتقاد کرد و گفت: بیش از ۹۰ درصد طرح‌های توسعه‌ای متوقف شده‌اند و فضای امنیتی اخیر باعث تعلیق حتی طرح‌های در حال اجرا شده است. او با اشاره به انفعال وزارت صمت در شرایط بحرانی، افزود: انتظار نمی‌رود وزارت صمت صرفاً مجوز صادر کند؛ این وزارتخانه باید در میدان توسعه نیز حضور و همراهی مؤثر داشته باشد.



بهادر احرامیان مدیرعامل فولاد یزد می‌گوید: در نبود سیاست درست، دست‌های پنهان ایجاد می‌شوند که باعث صدور بخشنامه‌های یک شبه خواهد شد. به اعتقاد او، تحریم‌ها برای توقف تجارت وضع نمی‌شوند بلکه هدف، بالا بردن هزینه‌های تجاری‌ست. مکانیزم ماشه نیز باعث بالا رفتن هزینه‌های تجاری از جمله چابجایی پول، خرید گران‌تر، فروش ارزان‌تر و بالا رفتن هزینه‌های مبادله‌ای می‌شود. در صورت اسنپ یک، بازار هند را در بالادست زنجیره فولاد را از دست می‌دهیم و فروش در بازار پایین دست سخت‌تر می‌شود.



احمد عشقان ملک رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی یزد، اعلام کرد: بر اساس مذاکراتی که با شرکت گاز استان یزد داشته‌ایم این امکان فراهم شده که واحدهای صنعتی بتوانند با پیش خرید گاز در فصل تابستان، نیازگازی خود را برای ایام پیک مصرف در زمستان، به‌ویژه در ماه‌های سرد که احتمال قطع یا محدودیت وجود دارد به‌صورت تضمینی تأمین کنند. این فرآیند باید دست‌کم شش ماه زودتر انجام شود تا شرکت گاز بتواند برای تخصیص منابع برنامه‌ریزی لازم را انجام دهد. اگرچه قیمت گاز در طرح پیش خرید نسبت به تعرفه جاری بالاتر است، اما این افزایش به‌منظور تأمین منابع مالی لازم برای ذخیره‌سازی، زیرساخت‌سازی و تضمین پایداری شبکه در زمان پیک در نظر گرفته شده است.



محمدتقی خالقی، عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی یزد در نشست با اعضای شورای هماهنگی بانک‌های استان اظهار کرد: برخی از فعالان اقتصادی برای راه‌اندازی نیروگاه‌های خورشیدی اقدام به درخواست وام کردند اما متأسفانه بانک‌های یزد از پرداخت این تسهیلات خودداری نمودند، به همین دلیل ناچار شدیم برای دریافت این تسهیلات در یکی از بانک‌های تهران حساب باز کنیم اما حتی در تهران نیز فرایند دریافت وام با مشکلات و موانع متعددی همراه بود. این در حالی‌ست که در شرایطی که کشور با کمبود برق مواجه است راه‌اندازی نیروگاه‌های خورشیدی می‌تواند کمک بزرگی به تأمین انرژی و استمرار تولید باشد، اما بی‌توجهی و عدم همراهی نظام بانکی انگیزه سرمایه‌گذاران را کاهش داده است.



سعید اسگرزاده دبیر انجمن سنگ آهن ایران معتقد است که فضای حکمرانی وزارت صمت از ماهیت وجودی خود دور شده است. تقریباً کسی در وزارتخانه وجود ندارد که به جنگ تعرفه‌ای آمریکا و چین و تأثیر آن بر بازار ایران فکر کرده باشد. سیاستگذاران ما از فضای بین‌المللی فاصله زیادی دارند.



محمد سپهر، دبیرکل اتاق بازرگانی یزد با اشاره به پیش‌بینی رشد ۱۳ درصدی بخش معدن در برنامه هفتم توسعه گفت: این نرخ، بالاترین رشد در میان بخش‌های مختلف و نشان‌دهنده اهمیت معدن در اقتصاد آینده کشور است. او از فعال‌سازی خوشه سنگ‌های تزئینی و صنایع وابسته به عنوان نخستین خوشه قطعی‌شده استان خبر داد و افزود: این اقدام ظرفیت مهمی برای حمایت از کسب‌وکارهای معدنی کوچک و متوسط ایجاد می‌کند. سپهر همچنین با انتقاد از بی‌توجهی به ظرفیت‌های بین‌المللی در حوزه معدن گفت: تا امروز تعاملات بین‌المللی ما محدود به دیدارهای کوتاه بوده است. باید برای معادن کوچک فرصت بازدید و ارتباط با معادن کشورهای دیگر فراهم شود تا بتوانند در بازار جهانی حضور مؤثرتری داشته باشند.

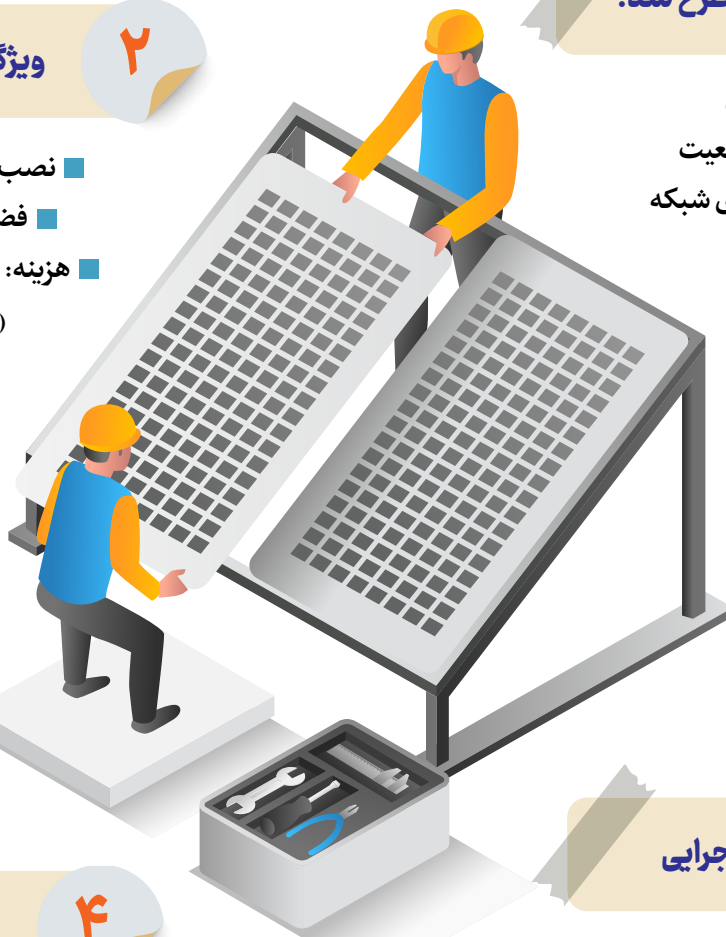
طرح نصب نیروگاه خورشیدی خانگی زیر ذره‌بین

۱ چرا این طرح مطرح شد؟

- کسری ظرفیت تولید برق
- رشد سریع مصرف و جمعیت
- فرسودگی زیرساخت‌های شبکه
- پدافند غیرعامل

۲ ویژگی‌های فنی طرح

- نصب نیروگاه خورشیدی ۵ کیلوواتی
- فضای لازم: ۶۰ متر مربع پشت‌بام
- هزینه: حدود ۱۸۰-۲۳۰ میلیون تومان (با باتری: تا ۲۵۰ میلیون تومان)



۳ چالش‌های اجرایی

- محدودیت فضا در پشت‌بام مجتمع‌ها
- جلب رضایت تمام ساکنین مجتمع
- عدم آگاهی کافی خانواده‌ها نسبت به مزایای احداث نیروگاه خورشیدی
- محدودیت در اعطای تسهیلات به متقاضیان

۴ پیشنهادهای برای موفقیت طرح

- ارائه وام کم‌بهره بدون بروکراسی
- افزایش نرخ خرید برق به قیمت واقعی بازار
- عدم قطع برق واحدهای دارای نیروگاه خورشیدی



مهرداد فتاحی گرمروودی

بحران نابرابری

در حالی که کشورهای ثروتمند با سرعت بی‌سابقه‌ای تسخیر صنعتی‌شدن و مصرف بی‌رویه منابع را طی می‌کنند، کشورهای فقیر در حال پرداخت‌بهای گزاف بحران اقلیمی‌اند؛ بحرانی که نه عامل آن بوده‌اند و نه ابزار کافی برای مقابله با آن دارند. اگر نگاهی به نقشه‌ی دمایی جهان در دهه‌های آینده بیندازیم، تصویری هولناک از آینده‌ی سیاره‌مان آشکار می‌شود: نوارهای گرمایی کشنده‌ای که کمربند زمین را دیر می‌گیرند، بیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که تا سال ۲۰۷۰، نزدیک به یک‌سوم جمعیت جهان یا ناگزیر به مهاجرت خواهند بود یا در مناطقی با دمای میانگین بالای ۲۹ درجهٔ سانتی‌گراد زندگی خواهند کرد؛ دمایی که زندگی انسانی در آن به شدت دشوار است. این در حالی‌ست که امروز، تنها ۱٪ سطح زمین چنین شرایطی دارد. مسئله از این هم نااعادانه‌تر است: سرانه‌ی انتشار دی‌اکسیدکربن در کشوری مثل آمریکا تا ۷۵ برابر کشوری مانند مالی است؛ کشوری که تقریباً هیچ نقشی در شکل‌گیری بحران نداشته، اما با شدیدترین تبعات آن روبه‌رو است. حتی اگر یک‌سوم جمعیت فقیر جهان بتوانند از خط فقر عبور کنند، باز هم تنها ۵٪ به کل انتشار گازهای گلخانه‌ای اضافه می‌شود؛ رقمی ناچیز در برابر سهم ۱٪ ثروتمند جهان.

سهانه‌ی شوم نابرابری اقلیمی

این بحران فقط یک تهدید زیست‌محیطی نیست؛ بلکه نمایانگر یک نابرابری ساختاری سه‌گانه است:

- نابرابری در مسئولیت‌پذیری:** کشورهای و اقیانار ثروتمند بیشترین سهم را در تخریب محیط زیست دارند.
- نابرابری در آسیب‌پذیری:** فقیرترین مردم دنیا بیشترین رنج را از پیامدهای این بحران می‌کشند.
- نابرابری در اسکان و اکتش:** کشورهای ضعیف اغلب فاقد منابع لازم برای سازگاری با شرایط جدید یا حتی خنثی‌کردن تبعات فوری بحران‌اند.

در بسیاری از نقاط آسیب‌پذیر جهان، از عراق تا کشورهای ساحلی جنوب آسیا، سیستم‌های زیربنایی برای مقابله با گرمای بالای ۵۰ درجه وجود ندارد. تابستان امسال هزاران نفر در عراق ساعت‌ها در خودروهای روشن پناه گرفتند، چون چاره‌ای برای خنک‌کردن بدن‌شان نداشتند. اگر زیرساخت‌هایی مانند شبکه‌های برق، آب، خنک‌کننده‌ها یا مسکن مقاوم در برابر گرم‌از‌کار بیفتند، عملاً با خطر فروپاشی اجتماعی و مهاجرت‌های انبوه مواجه خواهیم شد.

توسعه‌ی نابرابر، فاجعه‌ای جهانی

برخلاف تصور، همه‌ی قربانیان اقلیمی «مستعمره‌نشینان دیروز» نیستند. امروزه،

حضوره برابری مردان در برابر زنان در بازار کار

در بهار ۱۴۰۴، حدود ۶۸ درصد از مردان ایرانی در بازار کار مشارکت کرده‌اند. درحالی‌که این نرخ برای زنان حدود ۱۴ درصد بوده است؛ شکافی پایدار و بزرگ در مقایسه با میانگین جهانی.

صادرات محصولات معدنی همچنان زیر سایه جنگ

نظام ارز چندنرخ، لیستیک و قوانین خلق الساعه سه چالش بزرگ صادرات محصولات معدنی در روزهای جنگ بود، این در حالی‌ست که در شرایط جنگ هم بخش معدن لحظه‌ای دست از تولید نکشید. چهره‌های مطرح معدنی اما معتقدند که سیاست‌گذاری برای بخش معدن و صنایع معدنی، باید متفاوت در دوره صلح و با لحاظ حساسیت ارزآوری بازنظیم و تسهیل شود.

بخشنامه‌ی جنجالی تأمین اجتماعی

بخشنامه ۱۷۷۷ سازمان تأمین اجتماعی که در اردیبهشت ۱۴۰۱ با هدف اصلاح عناوین شغلی و تعیین دستمزد بر اساس سوابق کاری کارگران تدوین شد، به دلیل مشکلات اجرایی، ابهامات قانونی و نبود شفافیت در نحوه محاسبات، با اعتراض گسترده کارگران و کارفرمایان، در نهایت منجر به اعمال اصلاحاتی در سال ۱۴۰۳ شد. همچنان اما کارشناسان معتقدند این بخشنامه با نادیده گرفتن موازین قانونی و دخالت مستقیم و یک جانبه شعب تأمین اجتماعی در تعیین عنوان شغلی و دستمزد بیمه‌ای، ضمن ایجاد فشار مالی بر کارفرمایان، روند بازنشستگی کارگران شاغل در مشاغل سخت و زیان‌آور را نیز مختل کرده و نتوانسته به تعادل مناسبی در حفظ حقوق دو سوی رابطه کار دست یابد.

صنعت فولاد ایران در حاشیه

هم‌زمان با آغاز محدودیت‌های برق زودتر از همیشه و سقوط هم‌زمان تولید و صادرات در صنعت فولاد ایران، عمان با پروژه سه میلیارد دلاری تولید فولاد سبز خود در الدقم در حال تصاحب آینده بازار جهانی است. اما رها نشان می‌دهد تولیدکنندگان ایرانی از صادرات کنار رفته‌اند و میدان به تاجار کارت‌به‌دست واگذار شده است.

تاوه‌ترین آمارهای رسمی زنگ خطر جدی برای صنعت فولاد ایران را به صدا درآوردند. تولید و صادرات مقاطع طول فولادی با افتی هم‌زمان مواجه شده‌اند و در یک چرخش نگران‌کننده، سهم تجار از صادرات میلگرد کشور به بیش از دو برابر تولیدکنندگان رسیده است.

قابلیت افزایش ۴۰ درصدی ارزآوری بخش معدن

در سال گذشته، بخش معدن و صنایع معدنی بالغ بر ۱۴ میلیارد دلار ارزآوری برای کشور به همراه داشت، اما کارشناسان معتقدند با اصلاح قوانین و مدیریت هوشمندانه می‌توان این رقم را تا ۴۰ درصد افزایش داد.

رکود فراگیر

بهار امسال فقط ۲۷ درصد (معادل ۶۱ همت) از کل وام‌های پرداخت‌شده توسط بانک‌ها، نصب بخش مسکن و ساختمان شد. این نرخ، پایین‌ترین سهم از ابتدای دهه ۸۰ تاکنون است که می‌تواند بیانگر «رکود فراگیر» در بازارهای معاملات مسکن و ساخت‌وساز کل کشور در مقایسه با سال‌های اخیر و دوره‌های گذشته دور باشد.

سیاست‌های تجاری و انزای اقتصاد ایران

آمارهای گمرک ایران از وضعیت تجارت در سال گذشته نشان می‌دهد حجم تجارت کشور به ۱۳۰ میلیارد دلار رسیده است. رقمی که ۵۸ میلیارد دلار آن را صادرات و ۷۲ میلیارد دلار آن را واردات شکل داده است. مهم‌ترین شرکای تجاری ایران در این سال سه کشور چین، امارات متحده عربی و ترکیه بودند. بررسی آمارهای سال جاری نیز نشان می‌دهد تجارت ایران با این شرکای تجاری بهبود پیدا کرده و از طرفی حجم تجارت در دو ماهه ابتدایی امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش پیدا کرده است.

ادامه این سیاست‌های تجاری می‌تواند اقتصاد ایران را بیش از پیش منزوی کرده و دسترسی ایران به منافع تجارت جهانی را کاهش دهد

عبور رقم تأمین ارز واردات امسال از ۱۵۰ میلیارد دلار

بانک مرکزی از ابتدای سال ۱۴۰۴ تا ۲۷ تیرماه، به میزان ۱۵ میلیارد و ۳۲۸ میلیون دلار برای واردات کالای اساسی و دارو، صنایع و نیازهای خدماتی و گروه تجاری و بازرگانی تأمین ارز انجام داده است. این بانک بیش از ۱۱ میلیارد و ۷۲۴ میلیون دلار از ارز تأمین شده در سال جاری را به گروه تجاری و بازرگانی تخصیص داده است. تأمین ارز واردات کالاهای اساسی و دارو نیز توسط بانک مرکزی از ابتدای سال تاکنون بیش از ۲ میلیارد و ۲۵۹ میلیون بوده است. این گزارش حاکی است، ۳۲۵ میلیون دلار نیز برای تقاضای خدماتی تأمین ارز انجام شده است.

صادرات شمش به جای محصول نهایی

شرکت‌های فولادی چین در حال یافتن راه‌هایی برای دور زدن تعرفه‌های تجاری جهانی هستند؛ آن‌ها به جای صادرات محصولات نهایی فولاد، میران زیادی شمش فولادی صادر می‌کنند؛ محصولی نیمه‌نهایی که معمولاً با محدودیت‌های تجاری کمتری مواجه است.

Bahador Ebrahimian

CEO of Yazd Steel

In the absence of a correct policy, hidden hands are created that lead to the issuance of overnight decrees. Sanctions are not imposed to stop trade; rather, the goal is to increase trade costs. The snapback mechanism also raises trade costs, including money transfers, more expensive purchases, cheaper sales, and increased transaction costs. In the event of a snapback, we will lose the Indian market upstream in the steel chain, and selling in the downstream market will become more difficult.

Amirhosein Heidarzade

Member of the Board of Directors of the Mining House of Yazd Province

Since the beginning of the current year, the country's mines have faced several serious crises and shocks. One of the most important of these was the heavy economic recession that began at the end of 1403 and continued until early Farvardin. After that, there was a power outage in steel factories and industries dependent on mineral materials, which led to a significant reduction in production. Subsequently, a strike by drivers occurred, which inflicted a heavy blow to the supply chain for 15 days. However, if before the war, the level of crisis in the mining and industry sector was around 30 to 40 percent, today this figure has reached 70 to 80 percent.

Asghar Aghanabil

Chairman of the Tourism and Related Industries Commission of Yazd Chamber of Commerce

Whatever happens in the country, the first damage is inflicted on the tourism industry, but in the recent decisions of the government, in the circulars of the Cabinet and the approved facilities, not a single word has been mentioned about tourism, as if this industry is not seen at all. In many countries, before making any important economic, security, or political decision, a key question is asked: what impact will this decision have on the tourism industry? Because it is clear to them that tourism is a sustainable source of foreign currency, job creation, and cultural introduction. However, in our country, this industry is the last priority, and it has no place in terms of budget, planning, or even psychological and media support.

Mohammadhosein Najafi Yazdi

Chairman of the Legal and Judicial Commission of the Yazd Mining House

In the meeting of the Mining Commission of the Chamber of Commerce, it was emphasized that the mining and mineral industries should align to create more added value, stating that these two areas should not be viewed separately; challenges must be addressed in an integrated manner. He criticized the implementation of part 5 of clause a of article 42 of the sixth development plan, saying that currently, the one percent damage compensation is collected repeatedly from the entire production chain instead of being received in the event of damage, without thorough examination or evaluation. This practice contradicts the legislator's intent and requires immediate reform.

SeyedAmirNaser Tabatabaei

Head of the Hotel Owners Association of Yazd Province

Hoteliers and operators of accommodation centers in the province are grappling with multifaceted problems, while their income stream has decreased, current costs have increased, and this issue has seriously threatened the industry with the risk of closure and workforce reduction. The return of confidence and prosperity to this industry requires stability in the political and economic environment, and adding crises such as war not only hinders the improvement of the situation but also destroys the few post-COVID achievements.

Mohammad Sepehr

Secretary General of Yazd Chamber of Commerce

A 13 percent growth in the mining sector in the seventh development plan is the highest growth among various sectors and indicates the importance of mining in the future economy of the country. Activating the cluster of decorative stones and related industries as the first confirmed cluster of the province will certainly create significant capacity to support small and medium-sized mining businesses. An important point is that until today, our international interactions have been limited to short meetings. Opportunities for visits and connections with mines in other countries should be provided for small mines so that they can have a more effective presence in the global market.

SeyedMostafa Mohajeri

Air transport and tourism package activists

Tourism is a very sensitive and fragile industry; even the smallest political or security event, or even a rumor about unrest, is enough to halt the travel chain. In fact, tourism is the first industry to be affected by a crisis and the last to return to normal. Even if a war does not occur and only the talk of it exists, its psychological effect reduces travel.

Mohammadreza Tabesh

Chairman of the Board of the Chadormalu Mining and Industrial Company

The chairman of the board of the Chadormalu Mining and Industrial Company announced that Chadormalu's profit has decreased and added: This is due to two reasons; our iron ore has run out and they have not considered sourcing iron ore from our own region, and today we have to procure it from distant areas at exorbitant prices, which is detrimental to us in terms of cost, and it may only be profitable for us in the final processing cycle. On the other hand, plans have been announced for Chadormalu by the minister and members of parliament that have caused losses and damages to Chadormalu.